

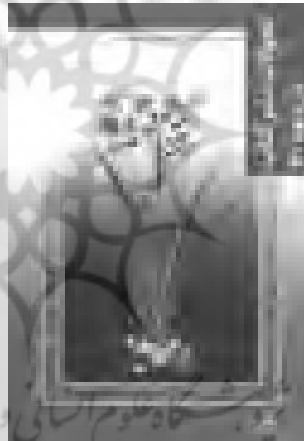
یک دهه با تحولات نشر کتاب

○ بهروز فتاحی

اهمیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی در دنیای حاضر بر کسی پوشیده و پنهان نیست؛ تا جایی که عصر حاضر را عصر اطلاعات نیز نامیده‌اند. سرعت، دقت و به روز بودن اطلاعات، نیاز ضروری جوامع بشری شده است. بدون دانستن آمارهای جمعیتی، برنامه‌ریزی برای آینده کشور ناممکن می‌نماید و نیز بدون داشتن آمار و اطلاعات بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌ریزی برای جمعیت نیز ناممکن است. اطلاع‌رسانی و اطلاعات، اکنون جزء لاینفک برنامه‌ریزی‌های بلند، میان و کوتاه‌مدت دولتها و حکومتهاست و پایه و مبنای هر فعالیتی محسوب می‌گردد.

متأسفانه باید اذعان کرد که علی‌رغم اهمیت و جایگاه آمار و اطلاعات در ساختار جامعه و نقش بسزای آن در توسعه همه جانبه کشور، به این مهم در کشور ما بهاء لازم داده نشده است. اگرچه دستگاهها و سازمانهای چندی در تولید آمار و اطلاعات فعال هستند و خروجیهای نیز دارند، اما باید گفت بعضی از آمارهای موجود این دستگاهها گاهی غیر دقیق یا متناقض است و از ویژگی به روز بودن نیز برخوردار نیست. این ضعف در بخش فرهنگ بیش از سایر بخشها مشهود است. شاید مهمترین علت آن را بتوان کیفی بودن فعالیتهای فرهنگی دانست که در ذات و طبیعت خودشان کمیت‌پذیر نیستند. علت دیگر آن، به ویژه آنچه در ایران وجود دارد، تعدد دستگاهها و نهادهای فرهنگی است که هرکدام بنا بر ماهیت و موضوع فعالیت، راساً اقدام به فعالیتهای فرهنگی می‌کنند. بدون آنکه آمار و اطلاعات آن را در مرکزی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت برسانند. از جمله دلایل دیگر آن را شاید بتوان ضعف ساختار بخش فرهنگ کشور دانست که هنوز هم چندان نقش اساسی به آمار و اطلاعات در برنامه‌ریزی‌ها ن داده است. بدین لحاظ آمار و اطلاعات در بخش فرهنگ به اندازه سایر بخشها جایگاه خودش را پیدا نکرده است.

با وجود این ضعفها و بعضی دلایل و عوامل دیگر، جای خوشبینی است که بخش نشر کتاب در کشور تا حدودی به اهمیت آن پی برده و به شکلی برجسته نسبت به سایر بخشهای فرهنگی اقدام به اطلاع‌رسانی فعالیتهای نشر کتاب در کشور کرده است. اکنون این امکان وجود دارد که به روز از



- تحولات نشر کتاب در دهه ۷۰
- تهیه و تدوین: محمد رنجبری
- مؤسسه خانه کتاب، ۱۳۸۰

متأسفانه باید اذعان کرد که علی‌رغم اهمیت و جایگاه آمار و اطلاعات در ساختار جامعه و نقش بسزای آن در توسعه همه جانی کشور، به این مهم در کشور ما به‌لازم داده نشده است

وضعیت نشر کتاب با خبر شد؛ اطلاعات سالانه آن را بررسی کرد و از ناشران فعال، نشانی و شماره تماس آنان آگاهی یافت. به جرات باید گفت که بخش نشر کتاب طی سالهای گذشته تلاشهایی جدی در جهت اطلاع‌رسانی سریع و صحیح نموده است که خود جای سیاسی و تشکر از دست‌اندرکاران این امر دارد. به همین منظور و در جهت اطلاع‌رسانی دقیقتر و کاملتر، ایام‌نامه اسمال شاهد چاپ و انتشار کتاب تحولات نشر کتاب در دهه هفتاد از خانه کتاب بودیم. موسسه خانه کتاب که زیر نظر معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند، با انتشار هفتگی نشریه کتاب هفته، انتشار ماهانه ۸ عنوان نشریه با عنوان کتاب ماه در زمینه دین، کلیات، تاریخ و جغرافیا، ادبیات و فلسفه، کودک و نوجوان، علوم و فنون، علوم اجتماعی و هنر، انتشار سالانه کارنامه نشر، راهنمای ناشران و بعضی از نشریات و کتابهای دیگر، سعی در ارائه آمار و اطلاعات صحیح و به روز از تحولات نشر کتاب کشور دارد.

کتاب اخیر که محمدرنجیری آن را تهیه و تدوین کرده است در ادامه فعالیت‌های گذشته و مستمر موسسه خانه کتاب در زمینه اطلاع‌رسانی کتاب چاپ و منتشر شده است. کتاب در شانزده فصل تنظیم و اهم فعالیت‌های نشر کتاب در دهه ۱۳۷۰ را در بردارد. در مقدمه کتاب بعضی از خلاهای کتاب که ناشی از فقدان و نقصان آمار در حوزه خرید کاغذ، ناشران موجه و منتخب، شکل‌گیری شکل صنعتی خبرنگاران امور کتاب، آمار چاپخانه‌های فعال، آمار کتابداران نمونه و... است، ذکر شده است.

O تهیه‌کنندگان کتاب نیز باتوجه به این مهم که تا کاری تولید نشود، اشکالی وجود ندارد ولی اگر کاری تولید شده، ایرادها و اشکالات زیادی بر آن وارد می‌کنند، جمله‌ای از قول «عماد کتاب» در آخر مقدمه آورده‌اند:

«چنان بدیم که هیچ کس کتابی نمی‌نویسد الا که چون روز دیگر در آن بنگرد، گوید: اگر فلان سخن چنان بودی بهتر گشتی و اگر فلان کلمه بر آن افزوده شدی نیک‌تر آمدی».

«و در عین حال بگویم که گزارشی جامع از آن‌چه در این دهه در زمینه کار کتاب و تولید و حمایت از آن در ایران اسلامی انجام گرفته است تاکنون در یک

مجموعه کنار هم نشانده نشده بود که بالاخره فراهم آمد؛ اما پرواضح است که: اسرار وجود خام و ناپخته بماند و آن گوهر بس شریفه، ناسفته بماند هرکس به دلیل عقل چیزی برگرفت و آن نکته که اصل بوده، ناگفته بماند»

در فصل اول، مختصری درباره تاریخ نشر کتابهای فارسی و نیز وضعیت آن از لحاظ آماری بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۹ آمده است. آمارهای مربوط به وضعیت نشر کتاب در دهه هفتاد از لحاظ عناوین کتاب، شمارگان، کتابهای تألیفی و ترجمه‌ای، چاپ نخست و مجدد و وضعیت نشر در تهران و شهرستانها در فصل نهم موردبررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، ضمن بیان اهداف برگزاری مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، سیر تحول و تطور آن بررسی شده و گزارشی از انتخاب کتابهای برگزیده و تشویقی از سال ۱۳۶۲ (نخستین دوره) تا سال ۱۳۷۹ (هجدهمین دوره) آمده است. جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به همراه گزارشی از هشت دوره برگزاری آن از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹، کتاب سال دانشجویی به همراه اهداف نحوه انتخاب و نیز گزارشی از هفت دوره برگزاری آن از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ در نهایت کتاب سال ولایت به همراه اهداف و سیاستها و نیز گزارشی از برگزاری دو دوره کتاب سال ولایت در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ در همین فصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بررسی ادبیات داستانی در دهه هفتاد موضوع فصل چهارم است. در فصل پنجم گزارش نسبتاً مفصلی از پنج دوره انتخاب پژوهشهای فرهنگی سال از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ به همراه معرفی پژوهشهای برگزیده و تشویقی آمده است. همچنین گزارشی برگزیده سه دوره پژوهش فرهنگی بین‌المللی از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ در همین فصل ارائه شده است.

علی‌رغم فقدان آمار برای بعضی از شاخصهای کتابخانه‌های عمومی کشور، می‌توان گزارش نسبتاً مفصلی از تحولات کتابخانه‌های عمومی را در فصل ششم مطالعه کرد. تعداد کتابخانه‌های عمومی، وضعیت نیروی انسانی، منابع چاپی و خطی، اعضا

مراجعه‌کننده و کتابهای به امانت گرفته شده طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ در کل کشور و نیز بررسی تک تک استانها در این فصل بررسی شده است. گزارشی هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران و برگزاری هشت دوره آن از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ در فصل هشتم آمده است. فصل هشتم اختصاص به گزارشی از برگزاری سیزده دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۹ و فهرست مختصری از برگزاری نمایشگاههای کتاب در استانها دارد. فصل نهم گزارشی مربوط به هشت دوره برگزاری نمایشگاه علوم قرآنی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ و گزارشی مختصری از نمایشگاه‌های استانی قرآن را در بردارد.

اطلاع‌رسانی و گزارشی از برگزاری هشت دوره نمایشگاه اطلاع‌رسانی و فن‌آوری اطلاعات طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ را می‌توان در فصل دهم خواند. گزارش چهارده دوره نمایشگاه بین‌المللی آثار تصویرگران کتاب کودک، گزارشی از وضعیت چاپ و نشر و نیز برگزاری سه دوره جشنواره چاپ و آمار ناشران فعال و نه دوره برگزاری انتخاب ناشران برگزیده، گزارشی از فعالیت‌های مرکز نشر میراث مکتوب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه کتاب، فصول یازدهم تا پانزدهم کتاب را شامل می‌شود.

در نهایت، در فصل شانزدهم کتاب با قوانین و مقررات حمایتی دولت از نشر کتاب به همراه آمارهای مربوط به خرید کتاب و گزارشی از اعطای بن کتاب آشنا می‌شویم.

کتاب به لحاظ محتوایی اطلاعات مفید و مناسبی به خواننده می‌دهد و باید اعتراف کرد که تاکنون کتابی که بتواند اکثر فعالیت‌های انجام شده در بخش چاپ و نشر کتاب را یکجا در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهد، موجود نبوده است و این کتاب خلأ بزرگی را در این زمینه پر کرده است.

نگارنده این سطور با اذعان به اهمیت تدوین و گردآوری چنین کتابی در ایران - که واقعاً از کمبود تناقص و غلط بودن آمار رنج می‌برد - و نیز تشکر از تدوین‌کنندگان کتاب که احتمالاً رنج فراوانی را متحمل شده‌اند تا توانسته‌اند کتابی در حد ۵۰۰،۴۰۰ صفحه تهیه و به بازار نشر و علاقه‌مندان و

اکنون این امکان وجود دارد که به روز از وضعیت نشر کتاب با خبر شد؛ اطلاعات سالانه آن را بررسی کرد و از ناشران فعال، نشانی و شماره تماس آنان آگاهی یافت. به جرأت باید گفت که بخش نشر کتاب طی سالهای گذشته تلاشهایی جدی در جهت اطلاع‌رسانی سریع و صحیح نموده است که خود جای سپاس و تشکر از دست‌اندرکاران این امر دارد

بزه‌شگران عرضه کنند، پیشنهادهایی به تهیه‌کنندگان کتاب ارائه می‌دهد تا چنانچه موردنظر آنها واقع شد، در چاپهای بعدی اعمال و برقوت و دقت کتاب افزوده شود.

۱. شاید بتوان مهمترین ضعف کتاب را در نگرش دستگاهی آن دانست. عنوان کتاب «حولات» نشر کتاب در دهه ۴۰ است. خواننده انتظار دارد که این کتاب بتواند اطلاعات جامعی از تحولات نشر کتاب در کشور به او ارائه دهد. اما کتاب بیشتر به تحولات نشر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توجه دارد. در دهه مورد نظر احتمالاً نمایشگاه‌های فراوانی در زمینه کتاب در دانشگاهها، مدارس و بعضی دیگر از مراکز آموزشی و فرهنگی و گاهی جز سطح وسیع برگزار شده است که این کتاب برای آنها جایگاهی در نظر نگرفته است. عنوان فصل ششم، کتابخانه‌ها است ولی فقط کتابخانه‌های عمومی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بررسی شده است و از کتابخانه‌های دانشگاهی، مدارس، مساجد،

کتاب به لحاظ محتوایی اطلاعات مفید و مناسبی به خواننده می‌دهد و باید اعتراف کرد که تاکنون کتابی که بتواند اکثر فعالیتهای انجام شده در بخش چاپ و نشر کتاب را یکجا در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهد، موجود نبوده است و این کتاب خلا بزرگی را در این زمینه پر کرده است

خصوصی و تخصصی نامی به میان نیامده است. البته نگارنده به کمبود آمار و نتایج آن واقف است و حتی می‌داند که بسیاری از دستگاهها و مراکز حتی در صورت داشتن آمار، آن را در اختیار نهادهای اطلاع‌رسان و سیاستگذار قرار نمی‌دهند. اما آنچه جای بحث دارد، تطبیق عنوان کتاب با محتوای آن است. همچنین است وقتی نام خانه کتاب یا سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برده می‌شود.

۲. نکته دوم نیز به تطبیق عنوان کتاب با محتوا برمی‌گردد. ظاهراً قرار است که تحولات نشر در دهه هفتاد بررسی گردد. اما با مطالعه کتاب مشاهده می‌شود که بعضی از فعالیتهای اوایل دهه شصت یا قبل از آن بررسی شده است و بعضی دیگر علی‌رغم قدمت، حتی بعضی از آمارهای دهه ۷۰ را نیز فاقد است. از جمله، فصل مربوط به انتخاب کتاب سال که گزارش آن از سال ۱۳۶۲ به بعد آمده است یا فصل مربوط به گزارشهای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که از سال ۱۳۶۶ بررسی شده است. ولی از طرف دیگر، میحث کتابخانه‌های عمومی، علی‌رغم قدمت آن و نیز موجود بودن آمار بعضی از شاخصهای آن، گزارشهای تنظیم شده از سال ۱۳۷۳ به بعد را در برمی‌گیرد.

۳. نکته دیگر مربوط نبودن بعضی از فصول با عنوان کتاب و نیز محتوای غالب کتاب است. فصل پنجم گزارشهایی است دربارهٔ برگزاری ۵ دوره پژوهش فرهنگی سال و نیز فصل نهم گزارشهای برگزاری هشت دوره نمایشگاههای علوم قرآنی را در بردارد. ارائه این دو فصل و نیز فصل دهم که مربوط به اطلاع‌رسانی است، این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که احتمالاً نظر تدوین‌کننده یا تدوین‌کنندگان، ارائه گزارشی از فعالیتهای معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است. چنانچه مراد، ارائه گزارشی از فعالیتهای یک دهه (که البته یک دهه نیز خود جای سؤال دارد) نشر کتاب (و البته گزارش نشر کتاب در کشور نیز در این کتاب خود جای بحث دارد) بوده است، بنابراین ضرورتی ندارد که بعضی از فصول به فعالیتهای خارج از نشر کتاب اختصاص یابد.

۴. چنانکه می‌دانیم سازمانها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی فراوانی هستند که در زمینه تصحیح متون کهن و چاپ آنها فعالیت دارند. فصل سیزدهم کتاب به معرفی فعالیتهای مرکز نشر میراث

مکتوب می‌پردازد که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت دارد. محدود کردن تحولات نشر کتب خطی در دهه هفتاد تنها به مرکز نشر میراث مکتوب و نادیده گرفتن تعداد زیادی از دستگاهها و مراکز دیگر، اطلاعات ناقصی را به خوانندگان می‌دهد و هم اینکه سوگیری کتاب به ارائه گزارشی از فعالیت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به ذهن متبادر می‌کند؛ همچنین است دربارهٔ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (فصل چهاردهم کتاب) و خانه کتاب (فصل پانزدهم کتاب).

۵. چنانچه می‌دانیم واژه فرهنگ، معانی بسیار گسترده و پیچیده‌ای را در برمی‌گیرد. حتی اگر بخواهیم واژه فرهنگ را در ساختار دولتی جستجو کنیم، مقوله‌هایی چون سینما، هنر، مطبوعات، کتاب، پژوهش، آموزش عالی، آموزش و پرورش و غیره را شامل می‌شود. محتوای فصل شانزدهم کتاب نشان‌دهنده حمایتی دولت از فعالیتهای نشر کتاب است و سایر حمایتها از بخشهای دیگر فرهنگ در این فصل نیامده است. اما عنوان فصل «حمایتهای فرهنگی» انتخاب شده است که پیشنهاد می‌شود به حمایت از نشر کتاب تغییر عنوان یابد؛ مگر اینکه مراد منظور، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد که در آن صورت می‌توان عنوان حمایت از معاونت فرهنگی را برگزید.

۶. مشکلات و فقدان آمار و اطلاعات به حدی است که متأسفانه بعضی از شاخصهای عمده بخش کتاب که توسط خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز صورت می‌گیرد، بدون آمار مانده است. تعداد چاپخانه‌های کشور و نیز تعداد ورقهای چاپخانه‌ها و توزیع و پراکندگی جغرافیایی آنها در بخش تولید کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که متأسفانه آمار آن در کتاب نیامده است. تعداد مراکز بخش کتاب و به طور کلی توزیع کتاب (مراکز بخش و کتابفروشی) از مهمترین حوزه‌های بخش کتاب هستند که آمار و جای آنها در کتاب خالی است. در انتها، نگارنده بر خود فرض می‌داند که از تلاشهای محمدنجیری (تدوین‌کننده کتاب) و علی محمد نیانان (همکار تدوین کتاب) قدرانی کند که کاری بی‌بزرگ و مهم در عرصه نشر کتاب کرده‌اند؛ و آنچنان که خودشان نیز اذعان دارند، امید است که در چاپهای بعدی نواقص آماري و ضعفها و کمبودهای کتاب برطرف شود.